

ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی

صمد کلانتری*، رسول ربانی**، کامران صداقت***

مقاله حاضر به بررسی ارتباط ابعاد فقر با قانون‌گریزی شهروندان می‌پردازد و فرضیه اصلی آن این است که فقر و قانون‌گریزی آسیب‌های عمده اجتماعی هستند که در تعامل با هم می‌باشند و هر چه شدت فقر افزایش یابد هنجارها، قوانین و ساختارهای تنظیم‌کننده روابط اجتماعی انسان‌ها ضمانت اجرایی خود را از دست می‌دهند. از این رو براساس نظریه ساختاری فرصت‌مرتز، بوم‌شناختی برگس، تکنیک خنثی‌سازی ساترلند و نظریه تضاد به تحلیل ارتباط ابعاد فقر با قانون‌گریزی پرداخته شد.

جامعه آماری بررسی حاضر شهروندان تبریز و حجم نمونه طبق فرمول کوکران 670 نفر بود که نمونه‌ها به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استخراج شدند و گردآوری داده‌ها با پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفته که عمده‌ترین

* دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

<Kalantari_Samad@yahoo.fr>

** دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

*** دکترای جامعه‌شناسی

نتایج آن به شرح زیر است:

90 درصد از شهروندان در 6 ماه دوم سال 83 حداقل یکبار قانون‌گریزی کرده اند. با این وجود قانون‌گریزی یک آسیب اجتماعی جدی است و با پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان در ارتباط است و طبقه فقیر جامعه شهری میزان قانون‌گریزی بیشتری دارند. همچنان‌که براساس مدل رگرسیونی به ترتیب فقر اقتصادی - اجتماعی، فقر نگرشی به قانون، فقر دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی بسترهای مساعدی را برای قانون‌گریزی و توجیه اعمال قانون‌گريزانه فراهم می‌کند و فرد را در موقعیت‌های هدفیابی به مکانیسم‌های خنثی‌سازی هدایت می‌کند تا به روش‌های فردی و غیرهنجاری عمل نماید.

کلیدواژه‌ها: آسیب اجتماعی، فقر، قانون‌گریزی

تاریخ دریافت مقاله: 84/2/3

پذیرش مقاله: 84/6/12

مقدمه

قانون‌گریزی یک بیماری مسری است که در حال حاضر بخش اعظمی از مردم کشور به آن مبتلا شده اند (نجفی‌توانا، 12:1381) و ریشه آن عدم نظم‌پذیری است که به دلیل گسترش فقر و شکاف طبقاتی است. زیرا نظم‌پذیری مختص اشخاصی است که حداقل نیازهای طبیعی، فرهنگی و اجتماعی‌شان تأمین شده

باشد. (همان: 13) در مقابل نظم‌گریزی مترادف با قانون‌گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، عدم انجام تکلیف، گریز از مسئولیت و وصول به مقصود به هر طریق ممکن است.

از این‌رو در شرایط نظم‌گریزی عملاً انواع آسیب‌ها حیات اجتماعی را تهدید می‌کند که عوامل چندگانه و عمده‌ای در آن دخیل‌اند. بنابراین در مقاله حاضر به گزارش مصادیق نظم‌گریزی و میزان قانون‌گریزی شهروندان به عنوان نمودی از آسیب اجتماعی پرداخته‌ایم و ارتباط فقر با قانون‌گریزی را بر اساس نظریه بوم‌شناسی مکتب شیکاگو، ساختار فرصت‌رابت مرتن، نظریه نابهنجاری دورکیم، خنثی‌سازی ساترلند، تله فقر رابت چمبرز و نظریه تضاد تبیین کرده‌ایم. در این مقاله منظور از فقر صرفاً جنبه اقتصادی و معیشتی آن نیست بلکه فقر فرهنگی، فقر مدنیت (شهروندی) و فقر دینی را نیز شامل می‌شود. یافته‌های تجربی مقاله نیز حاصل مطالعه پیمایشی بر روی شهروندان تبریز است که در حوزه‌های متفاوت طبقات شهری اجرا شده است.

1) بیان مسئله

پایبندی و دل‌بستگی افراد جامعه به قوانین و اجرای صحیح آن‌ها و یا بی‌اعتنایی به قوانین و شانه‌خالی کردن از اجرای درست آن‌ها دارای آثار و

نتایج آشکار و پنهان در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. اساساً آسیب‌های اجتماعی ناشی از روابط انسانی است که جامعه را به طور جدی تهدید می‌کند و یا تحقق نیازمندی‌ها و تقاضاهای افراد کثیری را مانع می‌گردد. آسیب اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که به نظر می‌رسد نهادهای تنظیم‌کننده روابط بین افراد با شکست روبرو شده و دچار تزلزل شوند که نتیجه آن شکل‌گیری شکاف‌های عمیق بین افراد است. بنابراین در چنین شرایطی شاهد دوگانگی انسان‌ها از نظر وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی خواهیم بود که باعث می‌شود افرادی که از توانمندی پائینی برخوردارند به تقاضاها و تأمین نیازمندی‌های خود در چارچوب نهادهای مدنی دسترسی پیدا نکنند. در این وضعیت قوانین تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند و متزلزل می‌شوند. چرا که قانونمندی و پذیرش قانون ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه قابل بررسی است. گرایش شهروندان به قانون و اجرای آن نیز در گرو داشتن آمادگی جسمانی (عدم فقر جسمانی)، آگاهی (عدم فقر فکری) و احساسی (عدم احساس تبعیض) است. زیرا در صورت عدم رعایت قانون که بخشی از آن وابسته به فقر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است

می‌تواند وضعیت کلی اجتماع را دچار انواع دشواری‌ها نموده و ساخت‌های اقتصادی نامطلوب و بی‌عدالتی‌ها و به‌طور کلی نارضایتی و نابسامانی عمومی را سبب شود و در نهایت منجر به ورشکستگی دایره انسجام اجتماعی و درهم‌گسیختگی نظام اجتماعی گردد، الزامات و مؤلفه‌ها و مهارت‌هایی که در جامعه مدنی ضروری است شکل‌نگیرد و در نهایت موجبات آسیب‌های اجتماعی را فراهم آورد که نمونه‌هایی از آن‌ها عبارتند از: تشکیل گروه‌های فشار، عدم توجه به بهداشت اماکن، ایجاد آلودگی‌های صوتی و دیداری، عدم حفظ اماکن عمومی، آسیب‌رساندن به وسایط نقلیه عمومی، از بین بردن حرمت افراد جامعه، بی‌توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی و نیز پرداختن به مشاغل غیرقانونی.

(ماهرویی، 1381:13)

از این رو در تبیین قانون‌گریزی بر اساس فقر نمی‌توان صرفاً به بعد اقتصادی آن توجه کرد. زیرا فقر شهروندی و نیز فقر فرهنگی و اجتماعی نیز به عنوان ابعاد دیگری از فقر هستند که در گسترش و شیوع آسیب‌های اجتماعی اهمیت اساسی دارند. در این مقاله سعی شده است مصادیق قانون‌گریزی بر مبنای حوزه‌های فقر فرهنگی، اجتماعی و شهروندی تشریح شود. در این زمینه پرسش اساسی این است که تا چه حد فقر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و

شهروندگرایی آمادگی افراد را برای قانون‌گریزی فراهم می‌آورد و باعث شکل‌گیر فرهنگ قانون‌گریزی می‌شود.

2) تعریف مفاهیم و متغیرها

2-1) میزان قانون‌گریزی

عبارت است از نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارها که دارای ضمانت‌های اجرایی رسمی می‌باشند. شیوع تکرار این رفتار، میزان قانون‌گریزی افراد را تعیین می‌کند. (ماهرویی، 1381؛ مؤمنی، 1381؛ ابطحی، 1375؛ قنبری، 1375) مانند عدم پرداخت مالیات، اشتغال بدون مجوز، بی‌توجهی به علائم راهنمایی و رانندگی و... که در این مطالعه 21 مصداق عینی بر این قانون‌گریزی که گروه وسیعی از شهروندان را پوشش می‌دهد پس از تعیین اعتبار انتخاب شد و در مقیاس فاصله‌ای طبق معادله زیر سنجیده شد:

تکرار موارد قانون‌گریزی در طول
 6×100 ماه دوم سال 1383
کل موارد احتمال قانون‌گریزی

2-2) طبقه اقتصادی - اجتماعی

عبارت است از جایگاه منزلتی و توانمندی اقتصادی گروهی از افراد در سلسله مراتب قشربندی اجتماعی که طبق شاخص نام - پاورز (Nam-Powers) از روی

معیارهای وجهه شغلی، درآمد و امکانات رفاهی تعیین می‌شود و از طریق رتبه‌گذاری معیارهای فوق و جمع این رتبه‌ها محاسبه می‌شود. (میلر، 1380:394)

3-2) فقر فرهنگی

منظور از فقر فرهنگی به زعم جیمز کلمن عبارت است از نداشتن ارتباط متقابل مستمر با خانواده و نیز منزلت اجتماعی پائین که ناشی از عدم احساس امنیت در کنش متقابل اجتماعی می‌باشد. مانند: کم‌توجهی خانواده، طلاق والدین، اعتیاد والدین، کم‌سوادی والدین و... (کلمن، 1377:240)

4-2) شهروندی

سطح برقراری ارتباط با نهادهای جامعه و توانایی تحلیل مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همراه با مراقبت از محیط زندگی خود می‌باشد (Richards, 2004:8). مانند: دانستن اسامی مدیران ارشد شهری، پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و...

5-2) نگرش دینی

عبارت است از وضعیت اعتقادی، احساسی، ادراکی و عاطفی انسان در مواجهه با امر قدسی (خداوند) هنگام انجام فعالیت‌های روزانه. مانند: اعتقاد داشتن به معاد و پاسخگویی به اعمال خود. (جلالی

مقدم , 40:1379)

6-2) نگرش به قانون

عبارت است از ارزیابی فایده و انتظار فایده از رعایت قانون و حقوق دیگران (رفیع‌پور, 26:1371). مانند: این احساس که رعایت قانون باعث احساس موفقیت می‌شود. یا قانون در همه جا وجود دارد یا قانون به نفع همه مردم است.

3) مبانی نظری

زندگی اجتماعی انسان به وسیلهٔ هنجارها, قوانین, و مقررات اداره می‌شود. اگر افراد جامعه به قوانین و مقررات و هنجاری‌های اجتماعی که رفتار آنها را به عنوان مناسب و نامناسب تعریف می‌کنند, مقید نباشند, فعالیت انسان متوقف یا دچار هرج و مرج خواهد شد. (احمدی, 11:1377) آنگاه نظم اجتماعی مختل می‌شود و در آن صورت افراد جامعه با هنجارهای اجتماعی که مبین نظم اجتماعی است هم‌نوا نگردیده و مرتکب رفتارهای انحرافی و انواع قانون شکنی‌ها می‌شوند. در این میان اگر جامعه دارای تضاد طبقاتی و شیوع فقر در ابعاد اقتصادی, فرهنگی و اجتماعی باشد؛ شدت نادیده گرفتن مبانی ارزش‌ها, هنجارها و قوانین از طرف افراد بیشتر می‌شود که پیامدهای آن نیز گسترش آسیب‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف روابط

متقابل افراد جامعه است. (همان منبع)

در این زمینه دورکیم معتقد است که وقتی نوسانات شدید اقتصادی همه ابعاد زیستی را دچار نابسامانی می‌کند، تنظیم اجتماعی سست می‌شود و میزان قانون‌گریزی در جامعه اوج می‌گیرد. به زعم دورکیم نوسانات شدید اقتصادی که منجر به گردآوری ناگهانی ثروت و یا از دست رفتن آن می‌شود، تأثیر قاطع‌تری دارد و از نظر زمانی برای دوران طولانی‌تری فرآیند انطباق اجتماعی و اطاعت از قوانین و عرف را به عنوان نیروهای اجتماعی کاهش می‌دهد، زیرا موجب تغییر ناگهانی ارزش‌های اجتماعی می‌شود، و در مردم حالت سردرگمی عارض می‌شود. (مؤمنی، 32:1381)

به طوری که نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد و در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نمی‌شوند و در تله فقر گرفتار می‌گردند. (چمبرز، 83:1998) و سعی می‌کنند با توسل به وسایل مختلف در راستای هدف‌گذاری‌های جامعه حرکت نکنند که در نتیجه انواع قانون‌گریزی‌ها و قانون‌شکنی‌ها شکل می‌گیرد.

3-1) نظریه ساختاری فرصت، فقر و قانون‌گریزی

رابرت مرتن در نظریه ساختاری فرصت توضیحات جامعه‌شناختی متقاعدکننده‌ای در مورد ارتباط فقر

با قانون‌گزینی ارائه می‌کند. او استدلال می‌کند، جامعه‌ای که تأکید زیادی بر موفقیت مادی دارد و میزان دارایی را معیار موفقیت افراد می‌شناسد، ثروت به عنوان یک هدف فرهنگی و اجتماعی شناخته می‌شود و غالب مردم عملاً می‌پذیرند که موفقیت، قاطعانه با معیار ثروت و مادیات سنجیده می‌شود. از آنجا که قشر کوچکی در جامعه دسترسی گسترده‌ای به امکانات و اهداف مالی دارند، ولی قشر وسیع‌تری دسترسی ناچیزی به شیوه‌های درآمدزا، آنچنان که موافق و مطلوب معیارهای سنجش موفقیت باشند، می‌یابند. بنابراین برای گروه مردم (فقرا) ابزار و هدف اجتماعی بر هم منطبق نیستند. این گروه هدف را مطلوب می‌داند ولی امکان دسترسی به آن را ندارد. از نظر مرتن در این شرایط مردم فقیر به روشهای مختلف سعی بر انطباق اجتماعی می‌نمایند. سعی این افراد در گزینش شیوه‌های انطباق با هدف اجتماعی ممکن است به طیفی از رفتارهای مختلف، از قبیل فراهم آوردن امکانات جدید برای خود که مورد قبول جامعه نیست و یا روی‌آوری به رفتارهای غیرقانونی برای کسب درآمد و ثروت باشد. در مجموع از نظر مرتن وقتی فقر در جامعه گسترش می‌یابد که جامعه ابزار و امکانات تولید ثروت را یکسان توزیع نمی‌نماید و استعداد و توانایی اعضای جامعه برای

تلاش مشروع نیز به طور یکسان پرورش نمی یابد. بنابراین در این شرایط باید انتظار داشت که فقرا برای تطبیق پذیری، رفتارهای غیرقانونی بیشتری برای پاسخگویی تقاضاها و رفع نیازهای ضروری خود انجام دهند. (عبداللهی، 1378:127؛ مؤمنی، 1381)

مرتن استدلال می‌کند که در شرایط نابهنجار فوق افراد فقیر با توجه به باورها، اعتقادات و قدرت تفکر و تحلیل رفتار خود و بعضی ویژگی‌های فردی دیگر بر رفتارهای تخلف آمیز و غیرقانونی صحه می‌گذارند و یا به آن عمل می‌کنند که نتیجه آن تضعیف قانون و عادی جلوه دادن قانون‌گریزی است. در چنین اوضاعی که قانون‌گریزی عادی جلوه داده می‌شود، آسیب اجتماعی در حوزه‌های عمومی ارتباطات انسانی گسترش می‌یابد و بخش عظیمی از رفتار قانون‌گریزانه شخص از حیطة کنترل وی خارج می‌شود که هرچه سطح ناتوانی و یا احساس ناتوانی و فقر فرد بیشتر باشد دلیل تراشی برای قانون‌گریزی او نیز افزایش می‌یابد که روان‌شناسان اجتماعی به آن تکنیک خنثی‌سازی گویند.

منظور از تکنیک خنثی‌سازی در قانون‌گریزی توسط افراد اینست که اکثر افراد به‌طور روزمره و برای امور مختلف در مراکز دولتی، حوزه‌های عمومی زندگی و کسب و کار به توجیه قانون شکنی بر اساس

انکار مسئولیت شخصی می‌پردازند و قانون شکنی را حق عقب‌ماندگی یا ناتوان بودن خود می‌دانند که می‌توانند به بازده های مثبت رسند . (صالحی، 117:1378) اگر مکانیسم خنثی سازی نیز به طور عام شکل گیرد ، آنگاه فرهنگ قانون‌گریزی شکل می‌گیرد که از نظر ساترلند براساس الگوی انتقال فرهنگی، رفتارهای غیرقانونی از طریق کنش متقابل به دیگران آموخته می‌شود و نوعی فرهنگ قانون‌گریزی مبتنی بر توجیه زرنگی شکل می‌گیرد که به دنبال فرهنگ فقر انواع رفتارهای بزهکارانه و مجرمانه را نیز تقویت می‌کند. (گر، 24:1379)

2-3 تبیین ارتباط فقر با قانون‌گریزی در نظریه بوم‌شناختی

نظریه بوم‌شناختی به تحلیل سیستمی از میزان های قانون‌گریزی و جرم که به لحاظ جغرافیایی در یک شهر یا سکونت‌گاه توزیع می‌شوند اشاره می‌کند. در این نظریه میزان های قانون‌گریزی و مصادیق آن اغلب به صورت نقشه ترسیم شده و با سایر ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان در ارتباط گذاشته شده است. یکی از پیش‌فرضهای اساسی نظریه بوم‌شناسی که در مکتب شیکاگو توسعه یافته است این است که آن دسته از حوزه های درون شهرهای تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی شده اند ارزشها و سنت های قانون‌شکنی و

روی آوری به رفتارهای بزهکارانه را توسعه می‌دهند. براساس نظریه برگس مناطق طبیعی شهر مخصوصاً منطقه انتقالی به وسیله شاخص‌های ویژه‌ای نظیر سطح بالای تحرک و تراکم جمعیت، ویرانی‌خانه‌ها، تنگ بودن کوچه‌ها و خیابان‌ها، پائین بودن سطح بهداشت عمومی اما کن و نیز وجود گروه‌های خرده فرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پائین ساکنین این مناطق مشخص می‌شوند؛ که نسبت به سایر مناطق شیوع رفتارهای قانون‌گریزانه و اعمال خرابکارانه بیشتر است. (ممتاز، 1381: 88)

3-3 تبیین ارتباط فقر با قانون‌گریزی بر اساس نظریه تضاد

در نظریه تضاد رفتار قانون‌گریزانه از یک تولا و نزاع میان طبقات بالای جامعه که مالک ابزار تولید هستند و افراد طبقه پائین که فاقد ابزار تولیدند شکل می‌گیرد. در این نظریه به زعم کارل مارکس بیشتر بزهکاری‌ها و رفتارهای قانون‌شکنانه به وسیله طبقات پائین انجام می‌شود و این‌ها به دلیل تمایل و علل روان‌شناختی مربوط به فقرا و طبقات پائین است بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقات پائین و فقرا اعمال می‌شود. به زعم این نظریه وجود تضادهای گسترده در جامعه و طبقاتی

شدن انسان‌ها، باعث می‌شود تا افراد طبقه پائین دچار از خودبیگانگی شوند و از خودبیگانگی که به معنی احساس از دست دادن کنترل بر زندگی اجتماعی است احتمال اعمال قانون گریزانه را برای فرد فراهم می‌آورد که به طور جبری انجام می‌شود. از نظر مارکس در چنین فرآیندی افراد فقیری که دچار از خودبیگانگی می‌شوند به احساس پوچی، بی‌قدرتی، بیزاری از خود، بی‌اعتمادی و خشونت می‌رسند که پیامد چنین وضعیتی باعث اخلاق‌زدایی و بی‌توجهی به ارزش‌های هنجاربخش جامعه می‌شود. تا جایی که افراد طبقه پائین و فقیر به انکار ارزش‌های اساسی جامعه، هنجارهای اجتماعی و استانداردهای تثبیت شده رفتار می‌پردازند. (احمدی، 1377: 59-58) زیرا جهت‌گیری قوانین و نظام وضع آن را به خود نسبت نمی‌دهند و با قوانین هنجاربخش به‌عنوان بیگانه برخورد می‌کنند.

3-4) تحلیل ارتباط فقر فرهنگی با قانون‌گریزی

بی‌سوادی و کم‌سوادی، ناآگاهی و جهل به قانون، تعدد و تنوع خرده فرهنگ‌ها و توزیع و استفاده نابرابر از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی و گسترش روزافزون ارتباطات فراملی، به پیدایش و تشدید تفاوت‌ها و تعارضات عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد و گروه‌های

اجتماعی منجر می‌گردد. (عبداللهی، 1378: 127) در چنین شرایطی افراد و گروه‌های اجتماعی اگر از نظر خانوادگی نیز دچار نابسامانی باشند، بر سر تشخیص اهداف و راه‌های نیل به اهداف دچار سرگردانی می‌شوند و از نظر اخلاق نظری و اخلاق عملی دچار تعارض می‌گردند و بر هنجارها و قواعد عمل نمی‌کنند و انگیزه مشارکت در امور عام‌المنفعه و خیر عمومی را از دست می‌دهند. این افراد در جهت نیل به اهداف فردی با صرف هزینه‌های عمومی به خودخواهی خود ادامه می‌دهند و از جامعه انتقام می‌گیرند. (صالحی، 1378؛ عبداللهی، 1378)

در مجموع براساس جمع‌بندی نظریه‌های بیان شده؛ برای تعیین چگونگی قانون‌گزینی و عوامل مرتبط با آن سؤالات و فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند.

– عمده‌ترین موارد قانون‌گزینی شهروندان کدام‌ها هستند؟

– سطح قانون‌گزینی از نظر مجموع موارد قانون‌گزینی در بین شهروندان چقدر است؟ فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- میزان قانون‌گزینی شهروندان براساس طبقه اقتصادی – اجتماعی آنان متفاوت است.
- میزان قانون‌گزینی شهروندان تابع میزان فقر اقتصادی – اجتماعی، فقر فرهنگی، نگرش منفی به

قانون، فقر شهروندی، نگرش دینی و تحصیلات آنان است.

4 روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی (Survey) و از نظر زمانی یک مطالعه مقطعی (Cross Sectional) می‌باشد که گردآوری داده‌ها به روش مصاحبه و با پرسشنامه انجام شده است.

4-1 جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری بررسی حاضر شامل کلیه شهروندان بالغ شهر تبریز می‌باشند که در سال 1383 تعداد آنان برابر 720 هزار نفر می‌باشد که از بین آنها طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با خطای $0/01$ و دقت برآورد $d = 0/05$ و حداکثر واریانس $pq = 0/25$ حدود 670 نفر نمونه پس از بلوک بندی کردن مناطق تبریز و با در نظر گرفتن تناسب حجم نمونه در هر طبقه، به طور تصادفی ساده از درون بلوک‌ها انتخاب شدند.

4-2 نحوه سنجش سازه‌ها (Constructs)

4-2-1 پایگاه اقتصادی - اجتماعی

طبق معیار شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی نام - پاورز و با جمع رتبه‌های شغلی (4 تا 1) + رتبه دارایی و امکانات منزل (4 تا 1) + رتبه درآمد (4

تا 1)، در مقیاس رتبه‌ای محاسبه شد.

2-2-4) فقر فرهنگی

طبق معیار جیمز کلمن و با در نظر گرفتن موارد فوت یکی از والدین، طلاق والدین، کم‌توجهی خانواده، ناتوانی جسمی، سابقه کیفری، نزاع و درگیری در خانواده، مورد سوء استفاده قرار گرفتن، غیبت مدام یکی از والدین، داشتن والدین م‌عتاد، در مقیاس رتبه‌ای سنجیده شد.

3-2-4) میزان شهروندگرایی

این سازه در مقیاس فاصله‌ای و براساس طیف لیکرت سنجیده شد که عمده‌ترین معرف‌های آن عبارتند از: توانمندی شرکت در مباحث سیاسی، کار با رایانه، ارسال نامه الکترونیکی، تحلیل مسائل فرهنگی، همکاری با سازمان‌های غیردولتی، پذیرش مسئولیت اجتماعی، دانستن اسامی نمایندگان شهر، استفاده از کارت‌های اعتباری، پس‌انداز 10 درصد از درآمد خود و خواندن سرود ملی.

4-2-4) نگرش دینی شهروندان

این سازه با 10 گویه (Item) در مقیاس فاصله‌ای و براساس طیف لیکرت سنجیده شد که دامنه نمرات طیف بین صفر تا 100 تعیین گردید.

5-2-4) نگرش به قانون

با 10 گویه و مطابق تکنیک طیف لیکرت در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شد که دامنه طیف بین صفر تا 100 می‌باشد.

3-4) اعتبار (Validity) و روایی (Reliability) سؤالات و گویه‌ها

اعتبار سؤالات از طریق تکنیک تحلیل عامل ی و براساس ضرایب بارعاملی آنها در هر یک از سازه‌های زیربنایی تعیین شد که به دنبال آن نیز از طریق تکنیک گروه‌های شناخته شده برای تعیین اعتبار محتوایی سؤالات و گویه‌ها استفاده شد.

4-4) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری شده با نرم افزار آماری Spss تجزیه و تحلیل شدند. برای توصیف صفت‌های کمی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و برای توصیف صفت‌های کیفی درصد محاسبه شد. برای تعیین ارتباط سطوح پایگاه اقتصادی - اجتماعی با قانون‌گریزی، نگرش به قانون و شهروندگرایی از آزمون‌های پارامتری F و در نهایت برای تبیین چند م‌تغیری قانون‌گریزی از روی متغیرهای مستقل مانند رتبه پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فقر فرهنگی، شهروندگرایی، نگرش دینی، نگرش به قانون و سطح تحصیلات از رگرسیون چندگانه (Multiple Regression) استفاده شده

است.

5) یافته‌ها

در مطالعه حاضر 54/8 درصد از پاسخگویان مؤنث و 45/2 درصد مذکر بودند که میانگین سن آن‌ها $14/3 \pm$ 35 سال با حداقل 18 و حداکثر 87 سال بود. از نظر وضعیت تأهل 37 درصد مجرد و 63 درصد متأهل و از نظر تحصیلات 7 درصد بی‌سواد، 7 درصد دارای سواد ابتدایی، 10/4 درصد تحصیلات راهنمایی، 38/4 درصد دبیرستان و دیپلم، 11/8 درصد فوق دیپلم، 20/6 درصد لیسانس و 4/8 درصد فوق لیسانس و دکتر بودند.

1-5) وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد مورد مطالعه

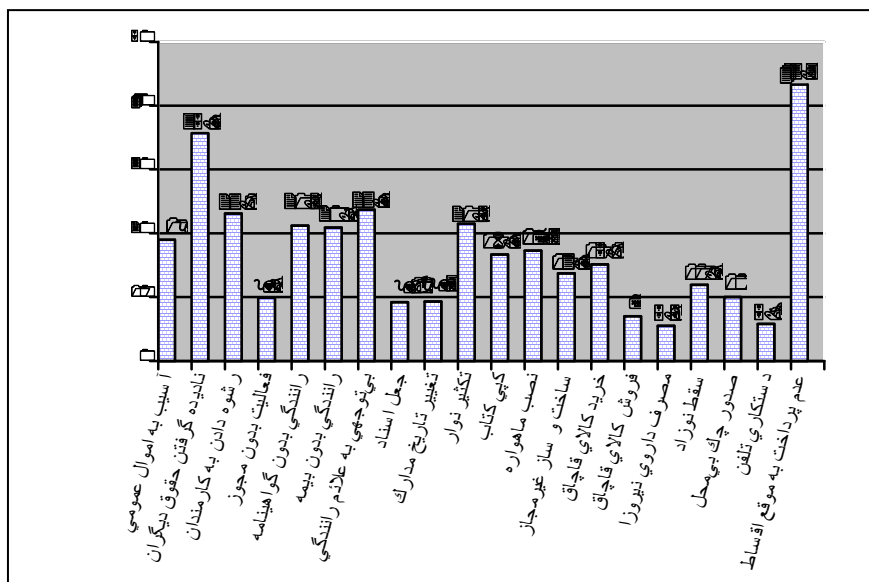
در مطالعه حاضر وضعیت اقتصادی بر مبنای شغل، درآمد و میزان دارایی خانوادگی افراد مورد مطالعه طبق شاخص رتبه گذاری پایگاه اقتصادی - اجتماعی نام - پاورز (Nam-Powers) سنجیده شده است. که در نهایت 31/3 درصد در طبقه پائین (فقیر)، 60/7 درصد متوسط و 7/9 درصد در طبقه بالا (مرفه) قرار گرفتند.

2-5) توزیع فراوانی موارد قانون‌گریزی شهروندان

عمده‌ترین موارد قانون‌گریزی توسط شهروندان طبق نمودار شماره 1 عبارتند از: نادیده گرفتن حقوق

دیگران هنگام تأمین نیازمندی های روزانه، عدم پرداخت به موقع اقساط وام‌ها و کپی برداری یا تکثیر غیرمجاز نوارهای صوتی و تصویری بوده است. در مقابل کمترین نسبت موارد قانون‌گریزی استفاده از داروهای نیروزای غیرمجاز، خرید و فروش کالای قاچاق، انجام فعالیت شغلی بدون اخذ مجوز بوده است و سایر مصادیق قانون گریزی نیز در نمودار فوق درج شده است. در مجموع 90 درصد از شهروندان مورد مطالعه حداقل یکبار در طول 6 ماه دوم سال 83 قانون‌گریزی داشته اند که درصد بسیار بالایی است.

نمودار 1: توزیع فراوانی قانون‌گریزی شهروندان



3-5) توزیع پراکندگی میزان قانون‌گریزی شهروندان

بر اساس اطلاعات جدول شماره 1 متوسط نمرات قانون‌گریزی شهروندان بر اساس مؤلفه های مندرج در نمودار شماره 1، 39/79 با انحراف استاندارد 18/39 به دست آمده است به طوری که حداقل میزان قانون‌گریزی صفر و حداکثر 100 می‌باشد که در مجموع میزان قانون‌گریزی در بین شهروندان یک آسیب جدی تلقی می‌شود زیرا سطح شیوع آن نسبتاً بالا می‌باشد. به طوری که با مقایسه نمرات گرایش به قانون ملاحظه می‌شود هنجارمندی قوانین و ضمانت‌های اجرایی آن از نظر شهروندان به طور نسبی در حد پایینی ارزیابی شده است.

جدول 1: توزیع پراکندگی قانون‌گریزی شهروندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
قانون‌گریزی	670	39/79	18/39	1/422	2/072	0	100

4-5) توزیع پراکندگی نمرات نگرش به قانون

بر اساس اطلاعات جدول شماره 2 میانگین گرایش به قانون و ارزیابی کارکردهای آن در جامعه توسط شهروندان برابر 42/47 به دست آمده است به طوری که حداقل نگرش در بین شهروندان صفر و حداکثر 100 می‌باشد و نمرات قانون‌گریزی از پراکندگی بالایی برخوردار است ولی توزیع سطح قانون‌گریزی طبق

آزمون اسمیرنف- کولموگروف نرمال است یعنی شهروندان از نظر نگرش به قانون در طیف وسیعی قرار دارند. که در جمع‌بندی نهایی میزان نگرش به قانون پایین‌تر از حد متوسط است. زیرا حد متوسط 50 می‌باشد.

جدول 2: توزیع پراکندگی نمرات نگرش به قانون

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
نگرش به قانون	670	42/47	24/87	0/567	-0/223	0	100

5-5) توزیع پراکندگی میزان شهروندگرای شهروندان

میزان شهروندگرای شهروندان مورد مطالعه 42/3 درصد با انحراف استاندارد 26/3 و حداقل صفر و حداکثر 100 بوده است که در مجوع میزان شهروندگرای کمتر از حد متوسط است ولی توزیع پراکندگی نمرات شهروندگرای طبق آزمون اسمیرنف کولموگروف نرمال است. یعنی افراد با درجه بالا و پائین حدود 32 درصد و افراد با درجه شهروندگرای متوسط 68 درصد می‌باشند.

جدول 3: توزیع پراکندگی میزان شهروندگرای شهروندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
شهروندگرای	670	42/35	26/31	/109	-0/945	0	100

			0			ی
--	--	--	---	--	--	---

5-6) توزیع پراکندگی نگرش دینی شهروندان

براساس اطلاعات جدول شماره 4 میزان نگرش دینی شهروندان به طور متوسط 70/28 درصد با حداقل گرایش 3 و حداکثر 100 به دست آمده است که در مجموع سطح گرایش دینی شهروندان در حد متوسط به بالا می‌باشد.

جدول 4: توزیع پراکندگی نگرش دینی شهروندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
نگرش دینی	670	70/28	17/51	-1/166	2/473	3/64	100

5-7) توزیع پراکندگی فقر فرهنگی شهروندان

همچنان‌که قبلاً در این مقاله اشاره شد، در سطح خرد فقر فرهنگی عبارت از قرار گرفتن در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که فرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم دچار آن است. مثل بی‌سوادی والدین یا بی‌سپرستی و... که طبق اطلاعات جدول شماره 5 میانگین سطح فقر فرهنگی برابر 4/57 با انحراف استاندارد 7/38 می‌باشد که حداقل نمره فقر فرهنگی صفر و حداکثر 45/45 به دست آمده است. از این رو با در نظر گرفتن متوسط جامعه ملاحظه می‌شود فقر فرهنگی از نظر آسیب‌های فرهنگی تعداد کمی از شهروندان را تهدید

می‌کند ولی در بین آن‌ها شهروندانی هستند که به شدت دچار فقر فرهنگی هستند که سطح قانون‌گریزی این دسته از شهروندان در مدل رگرسیونی ارائه شده است.

جدول 5: توزیع پراکندگی فقر فرهنگی شهروندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
فقر فرهنگی	670	4/57	7/38	2/13	5/7	0	45/45

5-8) مقایسه میزان قانون‌گریزی براساس وضعیت اقتصادی (فقیر، متوسط، مرفه)

از آن‌جا که میزان قانون‌گریزی در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است بنابراین از تحلیل واریانس برای مقایسه سه طبقه اقتصادی، اجتماعی استفاده کردیم که طبق اطلاعات جدول شماره 7 متوسط قانون‌گریزی طبقه فقیر $22/7 \pm 27/61$ ، طبقه متوسط $14/4 \pm 16/7$ و طبقه مرفه $16/4 \pm 12/4$ به دست آمده است که طبق معیار $F=31/6$ و $p=0/000$ اختلاف قانون‌گریزی در سه طبقه معنی‌دار است. قانون‌گریزی نسبت به سایر طبقات در طبقه فقیر بیشتر است ولی بین طبقه متوسط و بالا تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. $p=0/218$

5-9) مقایسه نگرش به قانون براساس طبقه اقتصادی - اجتماعی شهروندان

همچنین طبق اطلاعات جدول شماره 6 میانگین گرایش به قانون‌گرایی در بین شهروندان طبقه پایین

(فقیر) $40/12 \pm 2$ ، طبقه متوسط $42/64 \pm 25/3$ و طبقه بالا (مرفه) $50/46 \pm 26/8$ است که طبق معیار $F=3/7$ و $p=0/025$ اختلاف نگرش به قانون گرایي براساس طبقه اقتصادی - اجتماعی شهروندان معنی‌دار است و به ترتیب بیشترین نگرش در طبقه بالا و کمترین در طبقه پایین (فقیر) است.

5-10) مقایسه میزان شهروندگرایي افراد براساس طبقه اقتصادی - اجتماعی شهروندان

براساس اطلاعات جدول شماره 6 و مطابق با آزمون تحلیل واریانس انجام شده ملاحظه می‌شود که میزان شهروندگرایي افراد طبقه پایین (فقیر) ± 21 ، $28/25$ ، طبقه متوسط $46/3 \pm 25$ و طبقه بالا $\pm 23/6$ است که طبق معیار $F=31/6$ و $p=0/000$ تفاوت شهروندگرایي براساس طبقه اقتصادی - اجتماعی معنی‌دار است و سطح شهروندگرایي افراد طبقه پایین بیش از دو طبقه دیگر است.

جدول 6: تحلیل واریانس برای مقایسه قانون‌گریزي، گرایش به قانون و میزان شهروندگرایي براساس طبقه اقتصادی - اجتماعی شهروندان

P	F	میانگین مجزورات درون‌گروه	میانگین مجزورات بین‌گروه	اشتباه معیار	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	طبقه	
/0000	/6031	309/89	9793/17	1/57	22/78	27/61	210	فقیر	قانون‌گریزي
				0/71	14/39	16/71	407	متوسط	

				2/25	16/40	12/42	53	بالا	
				0/71	18/39	19/79	670	کل	
/025 0	3/70	613/68	/115 2276	1/59	23/12	40/12	210	فقیر	نگرش به قانون
				1/25	25/31	42/64	407	متوسط	
				3/68	26/80	50/46	53	بالا	
				0/96	24/87	42/47	670	کل	
/000 0	/39 72	570/49	41298/8	1/44	20/99	28/25	210	فقیر	شهروندگی رایی
				1/25	25/27	46/30	407	متوسط	
				3/25	23/66	67/86	53	بالا	
				1/01	26/31	42/35	670	کل	

5-11 عوامل قانون‌گریزی شهروندان

بر اساس آزمون رگرسیون چندمتغیری به روش (Enter) و مطابق با جدول شماره 7 در تبیین میزان قانون‌گریزی شهروندان از روی مجموع متغیرهای مستقل موجود فرضیه شماره 2، ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برابر $R = 0/636$ و ضریب تبیین $R^2 = 0/404$ و ضریب تبیین خالص $\bar{R}^2 = 0/401$ به دست آمده است. یعنی از روی متغیرهای مستقل معنی دار موجود در مدل می‌توان تا حدود 40 درصد واریانس قانون‌گریزی شهروندان را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استاندارد شده متغیرهای مستقل ملاحظه می‌شود پایگاه اقتصادی - اجتماعی با بتای $\beta = -0/245$ ، میزان گرایش دینی با $\beta = -0/17$ ، فقر اجتماعی با $\beta = 0/1$ ، نگرش به قانون با $\beta = -0/09$ و میزان شهروندگرایی با $\beta = -0/08$ به ترتیب

بیشترین سهم را در میزان قانون گریزی شهروندان دارند که ارتباط متغیرهای مستقل با وابسته نیز طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیونی خطی است ($F=16/05$ ، $p= 0/000$). در مجموع فقر اقتصادی - اجتماعی، پائین بودن نگرشی به قانون، پائین بودن نگرش دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی تأثیر معنی داری بر قانون‌گریزی شهروندان دارند و گزینه فقر در ابعاد مختلف خود سیستمی را تشکیل می‌دهد که فرد را برای قانون‌گریزی و عدم احساس مسئولیت در برابر قانون آماده می‌سازد که این خود تعامل چند وجهی انواع آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد که در معادل هی زیر و براساس ضرایب بتای استاندارد شده مدل قانون‌گریزی برآزش شده است (نگرش دینی) $-0/17$ (پایگاه اقتصادی - اجتماعی) $-0/245 =$ قانون‌گریزی (شهروندگرایی) $0/08 -$ (نگرش به قانون) $-0/09 -$ (فقر فرهنگی) $+0/10$

جدول 7: تبیین قانون‌گریزی شهروندان براساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فقر اجتماعی، نگرش به قانون، میزان شهروندگرایی، میزان نگرش دینی و تحصيلات

شاخص‌های آماری مدل 1	ضریب همبستگی چندقاننه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد مدل
مقادیر	0/636	0/404	0/401	17/20394

جدول 8: ضرایب بتاهای متغیرهای مستقل مؤثر بر قانون‌گریزی شهروندان

Sig.	t	ضرایب استاندارد شد	ضرایب استاندارد نشده		متغیرها
		Beta	Std.Error	B	
0/000	8/998		4/525	40/719	مقدار ثابت
0/030	2/178	-0/090	0/030	-0/066	نگرش به قانون
0/048	-1/743	-0/082	0/033	-0/057	شهروندگرایی
0/000	-4/144	-0/170	0/043	-0/179	نگرش دینی
0/000	-5/691	-0/245	0/387	-2/202	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
0/007	2/696	0/100	0/092	0/247	فقر فرهنگی
0/325	0/985	0/047	0/577	0/568	تحصیلات

متغیر وابسته: قانون‌گریزی

6) نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه هدف عمده، تبیین قانون‌گریزی براساس حوزه‌های ابعاد فقر بود؛ بنابراین در مؤلفه‌بندی فقر به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نگرشی و کنترلی درونی در قالب مفهوم نگرش دینی پرداخته شد. قانون‌گریزی نیز براساس مصادیق و موارد عمده آن از قبیل آسیب‌رسانی به اموال عمومی، نادیده گرفتن حقوق مردم، رشوه‌دادن و رشوه‌گرفتن، اشتغال بدون مجوز، رانندگی بدون مجوز و بیمه، بی‌توجهی به علائم محیطی، جعل اسناد و مدارک، کپی‌کردن لوازم فرهنگی، قاچاق کالا، سقط نوزاد، صدور چک بلامحل و نادیده گرفتن قراردادهای نهادی و قانونی سنجیده شد. بنابراین در یافته‌های تحقیق حاضر که به صورت

پیمایشی اجرا شد مشخص گردید که 90 درصد از شهروندان در طول 6 ماهه دوم سال 1383 حداقل یکبار قانون‌گریزی داشته‌اند و 16 درصد فقط یکبار قانون‌گریزی کرده‌اند. اگر قانون‌گریزی را نوعی کجروی به حساب بیاوریم و طبق نظریه کولی تبیین کنیم می‌توانیم ادعا کنیم که 16 درصد از شهروندان دچار قانون‌گریزی اولیه شده‌اند ولی 74 درصد از شهروندان دچار قانون‌گریزی ثانویه شده‌اند. یعنی عمل قانون‌گریزی را استمرار می‌بخشند و در این میان به ارزیابی‌های محیطی و منابع کنترل می‌پردازند و اگر مکانیسم‌های نظارت وجود نداشته باشد احتمال تکرار قانون‌گریزی وجود دارد که چنین وضعیتی از نظر آماری یک آسیب اجتماعی جدی تلقی می‌شود. اما با بررسی شیوع قانون‌گریزی شهروندان ملاحظه شد که مصادیق و شیوع قانون‌گریزی‌ها از وضعیت اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و ادراکات شهروندان تبعیت می‌کند. از این‌رو در تبیین نظری قانون‌گریزی مشخص گردید که تضاد اقتصادی - اجتماعی و شیوع فقر مهم‌ترین عامل رفتارهای قانون‌گریزی است و این‌نه به دلیل عوامل روان‌شناختی است بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقه پائین و فقرا اعمال می‌شود و قوانین دارای کارکردهای مساوی برای همه طبقات نیستند و

توانمندی‌های طبقات مختلف مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در امتداد نظریه تضاد چمبرز نیز معتقد است نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد که در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نمی‌شوند و در تله فقر گرفتار می‌شوند که این نیز بر ناتوانی، بی‌قدرتی، عدم هنجارپذیری آنان می‌افزاید. (چمبرز، 1998: 83) مرتن نیز در نظریه ساختاری فرصت استدلال می‌کند که برای مردم فقیر ابزار و اهداف اجتماعی بر هم منطبق نیستند بنابراین این گروه به روش‌های جدید سعی بر انطباق اجتماعی می‌نمایند و برای تطبیق‌پذیری رفتارهای غیرقانونی را برای پاسخگویی به تقاضاها و رفع نیازهای خود ضروری می‌دانند. (مؤمنی، 1381: 32) از نظر مرتن این گروه از افراد (فقرا) با توجه به نیازها، باورها، اعتقادات و قدرت تفکر و تحلیل خود بر رفتارهای قانون‌گریزانه صحنه می‌گذارند و آن را به عنوان اخلاق به طور ناخودآگاه دنبال می‌کنند. (همان: 33) در نتیجه به انواع فرافکنی‌ها و تکنیک‌های خنثی‌سازی متوسل می‌شوند و قانون‌شکنی را حق عقب‌ماندگی یا ناتوان بودن فرد می‌دانند که می‌توانند به بازده مثبت برسند. (صالحی، 1378: 107) ساترلند چنین وضعیتی را براساس الگوی انتقال فرهنگی تبیین کرده است که

باعث گسترش قانون گریزی و شیوع قانون گریزی به عنوان شکل‌گیری آسیب اجتماعی مطرح می‌کند. (گر، 24:1379)

در ادامه مباحث فوق و طبق تبیین جغرافیایی و بوم‌شناختی قانون گریزی نیز برگس به مناطق انتقالی در حوزه های شهری توجه کرده است و با آسیب‌شناسی مناطق شهری تأیید کرد که مناطق ویژه ای با مشخصات سطح بالای تحرك، تراکم جمعیت، ویرانی خانه ها، تنگ بودن کوچه ها و خیابان ها، پائین بودن سطح بهداشت عمومی و وجود گروه های خردفرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پائین ساکنان این مناطق مشخص می‌شود. (احمدی، 58-59:1377) بنابراین در نظریه های ارائه شده مشخص گردید که فقر نه تنها در ابعاد اقتصادی بلکه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی در زمینه سازی اعمال قانون‌گریزانه اهمیت بسزایی دارد و متغیرهای تعدیل‌کننده ای مانند نداشتن الگوی زندگی مدنی، ضعف اعتقادات دینی، بی‌سوادی و کم سوادی و آشنا نبودن با الگوهای شهروندی قانون‌گریزی را افزایش می‌دهد.

با توجه به مبانی نظری فوق در تحقیق حاضر نیز ارتباط فقر با قانون‌گریزی، شهروندگرایی و نگرش به قانون بررسی شد که در نتیجه مشخص گردید سطح قانون‌گریزی در طبقه پائین جامعه بیشتر از سایر

طبقات است. در نتیجه تلقی مثبت از ابزارهای نظمی و قوانین نیز در جامعه در طبقه پائین کمتر است ضمن آن‌که در گروه طبقه پائین مهارت‌های لازم برای شهروندگرایی نیز بسیار پائین تر از طبقه متوسط و بالای جامعه بود که این یافته نظریه مرتن و ساترلند را تأیید می‌کند و مطابق با نظریه آن‌هاست.

همچنین یافته اخیری با نظریه برگس نیز مطابقت دارد چرا که از نظر برگس قانون‌گریزی نتیجه تعاملات فرهنگی و زیستی است که در طبقه پائین بیشتر مصداق دارد.

طبق مدل رگرسیونی مشخص شد که بسترهای لازم برای قانون‌گریزی به ادراکات و نگرش‌های مثبت افراد به پیرامون محیطشان بستگی دارد. زیرا در درون همه طبقات سطحی از قانون‌گریزی وجود دارد ولی تکرار و شیوع آن در طبقه پائین به دلیل وجود ابعاد دیگری از فقر شدت بیشتری دارد. این عوامل عبارتند از فقر شهروندی و بیگانگی نسبت به قانون (نگرش منفی به قانون) که مکانیسم خنثی‌سازی را در بین آن‌ها فعال می‌کند و قانون‌گریزی را زرنگی تلقی می‌کنند که به راحتی نزد سایر افراد گروه خود مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

در این مطالعه مشخص شد که ضعف مبانی دینی و

گرایشی افراد نیز مستعدکننده قانون‌گریزی است و در مواردی که افراد دارای مهارت‌های لازم برای تعاملات اجتماعی نباشند عامل کنترل‌کننده درونی (دین) مانع ارتکاب اعمال انحرافی و قانون‌گریزی می‌گردد. چرا که از نظر نگرش دینی بین طبقات تفاوت معنی‌دار وجود نداشت ولی تأثیرگذاری نگرش دینی برای پیشگیری از اعمال قانون‌گریزانه در طبقه پائین بالاتر از طبقات بالاست زیرا در طبقه بالام هارت‌های شهروندی بیش از نگرش دینی در پیشگیری از اعمال قانون‌گریزانه اهمیت دارد.

7) پیشنهادهای عملی

الف) شهروندگرایی و مهارت‌های شهروندی در پیشگیری از اعمال قانون‌گریزانه اهمیت بسزایی دارد بنابراین لازم است تا از طریق فعال‌سازی انجمن‌های محلی و یا تشکل‌های غیردولتی با حمایت سازمان ملی جوانان برای جوانان و کانون‌های فرهنگی مساجد برای عموم شهروندان بتوان الگوی ارتباطات غیررسمی و هنجارمند را فراهم آورد تا از این طریق نظارت‌های غیررسمی جایگزین نظارت رسمی گردد.

ب) قانون‌گریزی براساس عمل‌خنثی‌سازی تشدید می‌شود بن‌ابراین لازم است از طریق اطلاع‌رسانی رسانه‌ای موارد قانون‌گریزی همراه با پیامدهای آن برای افراد از طریق شبکه‌های محلی گزارش شود تا

- در نزد افراد پیامدهای منفی قانون‌گزینی بیش از پیامدهای مثبت آن جلوه نماید.
- ج) از آنجا که بخشی از اعمال قانون‌گزیزانه در نتیجه احساس فاصله بین افراد طبقات پائین با سایر طبقات و نهادهای تنظیم کننده روابط است بنابراین لازم است از طریق شبکه های محلی و با مدنظر گرفتن برنامه های خاص و مستمر مشکلات و مسائل این مناطق (فقیر) از طریق دوربین نمایش داده شود و مردم به ابراز احساسات و مشکلات خود بپردازند تا اینکه احساس محرومیت نسبی آنان در قالب اعمال خرابکارانه فعال نشود و احساس ناکامی‌ها در قالب بیانات شفاهی تخلیه شود.
- د) پیشنهاد می‌شود به دلیل محدودیت منابع برای تمرکززدایی و توجه یکسان به توسعه همه مناطق، حتی اگر قرار است خدمات عمرانی، زیربنایی و یا رفاهی به مناطق ارائه شود از طریق نیازسنجی و بسیج اهالی هر منطقه (مخصوصاً مناطق فقیرنشین) مشارکت در برنامه ریزی اجرا شود تا افراد احساس تعلق بیشتری به محیط و تعاملات خود در محیط داشته باشند تا از مصادیق قانون گزینی کاسته شود.
- ه) در این بررسی مشخص شد که فقر فرهنگی مانند داشتن خانواده ناقص و یا کم سواد نقش عمده‌ای در قانون‌گزینی داشته است بنابراین لازم

است تا از سنین 7 سالگی افراد دارای این موقعیت مستقیماً در حمایت سازمان بهزیستی هلال احمر و یا ارشاد اسلامی و حتی سازمان ملی جوانان قرار گیرند تا بخشی از احساس ناتوانی و کم‌توجهی آنان رفع شود و زمینه جامعه پذیری آنان در قالب نهادهای اجتماعی صورت گیرد زیرا عدم جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری مناسب نقش عمده ای در قانون‌گریزی دارد.

(و توجه به مسئله قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی آسیب‌زا با سایر پدیده‌ها و مسائل اجتماعی همچون عقب‌ماندگی، بیکاری، نابرابری‌های رتبه‌ای و رابطه‌ای، فقر و محرومیت، تبعیض و تعارض جنسی، قومی، مذهبی، ارتشاء و اختلاس، اعتیاد، طلاق و از هم‌پاشیدگی روابط گرم خانوادگی، سرگردانی و حاشیه‌نشینی و سایر مسائل مرتبط است. بنابراین اقدام در جهت تقویت قانون‌گرایی باید هماهنگ با تقویت عوامل و تضعیف موانع آن باشد که در این بین مشارکت حقیقی و همه‌جانبه مردم باید از طریق تقویت نهادهای مدنی و رسانه‌ای و حتی آزادی مطبوعات و احزاب شکل گیرد.

1. ابطحي، سيدمصطفى . (1375) ، نقش فرهنگ سياسي در فقدان قانون پذيری در جامعه ، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان .
2. اتان بي ، کاپشتاين . امنيت ملي و توسعه اقتصادي ، ترجمه واحد فصلنامه مطالعات راهبردي ، پيش شماره دوم .
3. آراسته‌خو ، محمد . (1374) ، تأمين و رفاه اجتماعي ، انتشارات پيام نور ، تهران .
4. ارسطو ، (1270) ، اصول حکومت آتن . ترجمه محمدابراهيم پاریزي . چاپ سوم ، تهران . شرکت سهامی کتاب‌های جیبی .
5. پیمانی ، ضیاء‌الدین . جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی .
6. جلالی‌مقدم ، مسعود . (1379) ، درآمدی بر جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه شناسان بزرگ دین ، تهران . نشر مرکز .
7. چلبی ، مسعود . (1375) ، جامعه‌شناسی نظم ، نشر نی . چاپ اول ، تهران .
8. چمبرز ، رابرت . (1998) ، توسعه روستائی ، اولویت بخشی به فقرا . ترجمه مصطفی ازکیا . انتشارات دانشگاه تهران .
9. دواس ، دي . اي . (1376) ، پیمایش در تحقیقات اجتماعي ، ترجمه هوشنگ نایبی ، نشرنی . چاپ اول . تهران .
10. روشندل ، جلیل . (1374) ، امنیت ملي و نظام بین‌المللي ، انتشارات سمت . تهران .
11. روزنامه اطلاعات شماره های 21487 ، 21486 ، 21489 .
12. روزنامه همشهري ، شماره 1702 ، 1377/9/5 .
13. سایق ، ي . چالش‌های مطرح برای قوام دولت در

- کشورهای جهان سوم ، ترجمه مصطفی ایمانی ؛
اطلاعات سیاسی و اقتصادی , شماره 125-126
14. سلطانی، ایرج . (1381) ، نقش و تأثیر
قانون‌گرایی در بهداشت روانی جامعه ، نشریه
اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره 153-154
15. شاهکار، عبدالحسین . (1378) ، قانون‌گرایی و
جامعه مدنی، نشریه کار و کارگر، آبان ماه
1378 .
16. شهیدی , نجّحسن. (1375) ، موادمخدر , امنیت
اجتماعی و راه سوم ، انتشارات اطلاعات .
تهران .
17. صالحی , مصطفی. (1378) ، عوامل و موانع
قانون‌گرایی، فصلنامه فرهنگ عمومی ، شماره
20-21
18. ضمیمه روزنامه رسمی دادگستری جمهور ی
اسلامی، شماره 634
19. طالب , مهدی. (1368) ، تأمین اجتماعی ،
انتشارات آستان قدس , تهران .
20. عبداللهی، نجّج . (1378) ، موانع قانون‌گرایی در
ایران، نشریه فرهنگ عمومی، شماره 20-21
21. عظیمی , حسین. (1371) ، مدارهای توسعه و
توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران ، نشر نی .
چاپ دوم . تهران .
22. علیخواه، فردین . (1382) ، علل و عوامل
قانون‌گریزی، نشریه انتخاب. شهریور 1382
23. فکور، علی . (1378) ، قانون، قانون‌گرایی و
گروه‌های اجتماعی، نشریه فرهنگ عمومی. شماره
20-21 ، 94-98
24. فراستخواه , مقصود. (1375) ، دین و امنیت ؛
خلاصه مقالات سمینار توسعه و امنیت عمومی .
تالار علامه امینی دانشگاه تهران .

25. قاضی طباطبائی، محمود . (1371) ، **تکنیک‌های خاص تحقیق**، انتشارات دانشگاه پیام نور.
26. کلمن, جیمز. (1377) ، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری . تهران. نشرنی.
27. گرم تدرابرت. (1379) ، **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند**، پژوهشکده مطالعات راهبردی . چاپ دوم. تهران.
28. ماهروی, ابوالحسن. (1381) ، **حقوق و تکالیف شهروندی و قانون گریزی شهروندان** ، نشریه عدالت. شماره 15.
29. ممتاز، فریده . (1381) ، **انحرافات اجتماعی**، شرکت سهامی انتشار. چاپ اول. تهران.
30. مؤمنی, پروین. (1381) ، **قانون‌گریزی - علل و عوامل آن**، نشریه وکالت. شماره 5.
31. میلر, دلبرتسی. (1380) ، **راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی**، ترجمه هوشنگ نایبی . نشر نی. تهران.
32. Downes David. (1999), "**Crime and Deviance**" In Taylor Steve ed., "Sociology Issues and Debates", London: Macmillan Press, P.P. 231-252.
33. Liska Allen E.and Messner stenen F. (1999), "**Perspectives on crime and Deviance**", New Jersey: Prentice Hall.
34. Miguel Melissa. (2001), "**John Hagan's Power Contral Theory**", www.criminology.FSU.edu/crimtheory/hagan.htm.
35. Richards; M & WBLLS; A. (2004), "**Impacts of illegality & barriers to legality**", Henduras, International Forestry Review.
36. Sampson, E.E. (1969), "**Studies in Status Congruence**". In Berkowitz, L.(ed). Advances in Experimental social psychology. Academic press. NewYork.
37. Smith, D.M.(2000), "**Moral Geographies: Ethics in a world of difference**". Edinburgh University Press: Edinburgh.
38. Webster, Andrew. (1990), "**Introduction to the Sociology Development**";

Mac milian.

39. Wendorf, C.A., Alexander, s. and Firestone, I.J. (2002), "**Social Justice and moral reasoning: An Empirical integration of two paradims in psychological research**". Social Justice Research, Vol. 15, No. 1, Marsh 2002:19-39.